

به‌خامی : استاد محمد اظهر انصاری
برگردانده‌ی: محمد حسین ساکت

باغها و کاخهای مغول^(۱)

در زمانهای پیش از اسلام ؛ پادشاهان هند، کاخهایی زیبا برای یادگاری گروههایی که پس از آنها دست به‌آغاز ساختمانهای زیبا در هنر معماری ، خواهند زد، به‌پاداشتند همچنانکه شاهنشاهان پارس در کنار دجله (Tigys) و دیگر جای ، کاخهایی استوار، بنیان‌نهادند.

پادشاهان دهلی کاخهای فراوانی ساختند و شهرهای نوینی پرداختند و از آن میان رویهمرفته می‌توان برای نمونه : کاخ فیروزی ، «کاخ سفید» کوشک سبز و تعلق آباد، و «کوتلا فیروزشاه» را یادآور شد.

جهانگردان بیگانه‌ای که در آن هنگام ، این‌جاها را میدیدند، از زیبایی و شکوه‌مندی این کاخها سخت در شگفت می‌شدند . ابن بطوطه (۲) در کتاب

۱- این گفتار بر گردانی است از انگلیسی به تازی که اصل انگلیسی آن در مجله‌ی Islamic Culture چاپ شده است و برگرداننده‌ی تازی آن استاد زاهد عرب‌الزغبی میباشد.

۲- در طنجه چشم به جهان گشود و آغاز به جهان‌گردی کرد . وی ۲۹ سال به‌گردش پرداخت و شهرهای ناماور آن‌زده آن را دید . ابن بطوطه مردی باریک بین و در نقل و وصف آنچه دیده است امین و مورد اطمینان میباشد او را کتابی بنام : «تحفة النظار فی غرائب الامصار و الاسفار» که به: «رحلۃ ابن بطوطه» ناماور است و به زبان‌های : فرانسوی ، انگلیسی، آلمانی، پارسی و... برگردانده شده است (برگردان از: المنجد)

خود از شهری به نام «تعلق آباد» چنین نوشته است:

«در آن گنجینه (۱) ایست و نیز کاخ «پادشاه» (The place of Badshah)

در دهکده‌ی آن شهر کاخی دیده می‌شود که آجرهای بکار رفته‌ی در آن ساختمان از زر پوشیده شده‌اند و هیچکس بهنگام درخشش خورشید، نمی‌تواند نگاه خود را به این کاخ، به درازا کشاند»

در آسیای میانه و پارس چنین رسم شده بود که ساختمانها را در میانه‌ی باغها، بسازند، زیرا مهندسان عادت داشتند که در ساختن ساختمان، این نکته را از دیدگاه دور ندارند که آن ساختمان باید در میانه‌ی باغی که دارای نظمی زیبا و هماهنگی است، برپا شود. از همینجاست که امپراطورهای مغول در هند، این شیوه‌ی معماری را از پیشینیان خود، در آسیای میانه، بردند و همچنین از همینجا این آئین باب شد که در آغاز باغهایی به وجود می‌آوردند آنگاه در میانه‌ی آن کاخهایی دلانگیز می‌ساختند.

در آغاز جنگ بابر (۲) (Babar) شیوه‌ی معماری رونق گرفت، چنانکه لودی‌ها (The Lodis) برخی جاهای قابل سکونت در «آگرا» (Agra) پیاساختند ولی نتوانستند آنرا به خوبی و هماهنگی در آورند «بابر» شهرهای آسیای میانه را دیدن کرد. پیش از او پادشاه بزرگ «تیمور» شهر سمرقند را چنان زیبا و خوب پرداخته بود تا روشنگر نامش باشد.

تیمور در خاطرات خود از سمرقند به روشنی یاد کرده است وی در این شهر دهکده‌ای ساخت و در آن کاخی بزرگ برافراشت که دارای چهار طبقه و به «گل‌سرای» شناخته شده بود همانگونه که دو باغ به وجود آورد که نخستین: «باغ بلندی» و دومین: «باغ دلگشا» خوانده می‌شد و در آنجا دهه‌هایی ساخت که از هر

(۱) بر گردان ازواژه‌ی تازی: بیت‌المال (بر گرداننده)

(۲) ظهیرالدین محمد بابر (۱۴۸۲-۱۵۳۰) بنیان‌گذار خاندان

بزرگ مغول در هند میباشد، وی مردی دلیر بود که بر سمرقند چیرگی یافت. در زمستان از کوه هندوکش گذشت، دیوانی به ترکی دارد و نامش «بابرنامه» است (بر گردان از: المنجد)

دوسوی ، درگرداگردش درختان سپیدار کاشته شده بودند . وی به هنرمندان دستور داد که کاخش را گونه‌ای بسازند تا از هر نظر با کاخ نیاکانش ، در هند برابری کند همچنانکه امیر «الغ بیگ» (Ulugh Baig) «باغ میدان» را در کنار «کوهک اپلاند» (Kohik Upland) ساخت و همچنین کاخی بنام «چهل ستون» و گرما به‌هایی که دارای آب گرم بودند ، بنیان نهاد .

اما فرمانروایان با گونه‌گونی مقامها و درجه‌ها و نیز بنا بر توا نائیشان در برابر دارائی خود، در برافراشتن کاخها و بوجود آوردن جاه‌های قابل سکونت و برپاداشتن باغ‌ها، وادار می‌شدند . باغ چهارک «درویش محمد ترخان» آنرا ساخته است ، همواره درزیبائی و نقش و نگار بی‌مانند و یگانه به شمار می‌رود . چون «بابر» به این شکوه‌مندی و بزرگی باغ‌ها ، شیفته شده بود: روشن است که این شیفتگی ساخته‌شده‌های معماری را در هند به تنگنای کشاند و این گزند را به‌مراه می‌آورد که هنر معماری‌هند، رویهم‌رفته ، هیچ کوششی را پیرامون جوی‌ها ، نهرها و آب‌های روان پذیرا نیست .

هیچگاه بابر نتوانست از اندیشه و گمان خود ، چهره‌ی باغ «چهار» را که «محمد ترخان» در سمرقند برپا داشته بود ، دور و جدا سازد بنا بر این دستور داد که به‌همان شکوه‌مندی ، باغی زیبا در «آگرا» ساخته و پرداخته شود «بابر» روشهای دلپذیری را که در ساختن باغ چهار بکار رفته است ، در کتاب تترك بابر (Tuzuk I Baburi) خود ستوده است . وی به‌روش گرما به‌های موجود در سمرقند ، گرما به‌های در پایتخت هند ، بنیان نهاد و از آسیای میانه تقلید کرد زیرا بزرگان فرمانروایان با پادشاه (Badshah) برابری و همانندی میکردند و همچنین «بابر» شهر استقراطیه را بر کنار دیگر رود جمنا (Jamuna) به وجود آورد .

ابوالفضل بن مبارک در کتاب خود (۱) ، از حقیقت درنگذشته ، هنگامی که می‌گوید: «مردم بدون نظمی و سامانی ، در ساختن باغهایشان ، بی‌درنگ ، می‌شتافتند اما از هنگام رسیدن «بابر» به هند ، جاده‌بندی و سامان بخشیدن به باغهایی را

که ساخته بودند، آغاز کردند، و بدینگونه کتابی نوین برای زندگانی طبقات بالا در اجتماع هندی گشوده شد.

گرما بهها و باغها، هردو از آن دسته کارهایی بودند که بابر هنگام سامان بخشیدن به معماری درهند، در آنها شریک و سهمیم بود، همچنین باید کاخهای پادشاهیش را که درمیانه‌ی باغها، ساخته شده بودند، به این کارافزود زیرا شیوه‌ای در معماری باب‌ساخت که پسرینان و فرزندانش آنرا از او نقل کردند و دیگر گون‌های در آن بوجود آوردند و در واقع زیبائیهائی را بدان افزودند شکوه‌مندی و شگفتی این شیوه را در دو باغ: «فیض‌بخشی» و «نشاط باغ» در کشمیر و «دلگشا» و «فرحبخش» در لاهور به‌خوبی می‌توان دید که به نهایت زیبائی خود رسیده‌است.

برخی سرپرستها و کارشناسان که اندیشه و تزیین معماری را از آسیای میانه گرفتند و پیوسته آنرا تا پایان این عصر، به‌کار بردند، خود انگیزه و پایه‌هایی برای ساختن و پرداختن باغ «چهارباغ» و همچنین به‌وجود آوردن جایهائی قابل سکونت. درمیانه‌ی باغها، به‌شمار می‌رفتند و همینگونه ساختن گرما بهها، شکافتن چاههای آب روان و آراستن دیوارهای اتاق با نقشها و نگارشنهائی که اخلاق را در بر می‌گرفت از دست آنها بر می‌خاست.

«همایون و بهره‌ی او در دیگر گونی معماری»

همایون پیش از سرگرم شدن به جنگهائی که در آن می‌خواست به تخت پادشاهی بنشیند، در معماری سهمی و بهره‌ای داشت. وی در دهلی شهری ساخت که بدان «دین پناه» می‌گفتند، همچنانکه سه ساختمان دیگر نیز بنیان نهاد و این سخن را تاریخ نویسان زمان او نوشته‌اند و برخلاف اینکه می‌گویند ساختمانهای بزرگ و شکوه‌مندش دیری نپائید، ویژگیها و صفتهای آنرا می‌خوانیم و زمان کوتاه او را که هشت سال بیش نبود، بواسطه‌ی بهره‌ای که در فرهنگ (Culture) داشت، ارزشمند می‌شمیریم. (نا تمام)